

مطالعه گفتمان قرآن از دیدگاه براون و لوینسون و بررسی آن در ساختار مساجد اسلامی

چکیده

قرآن به عنوان یک گفتمان اجتماعی و مذهبی سرشار از تعاملات شخصیت‌های مختلف است. در طی تعاملات قرآنی اختلاف نظرهایی رخ می‌دهد که تاکنون از نظر ادب بندرت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابراین، مطالعه کیفی-توصیفی کنونی با هدف بررسی ادب اختلاف نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون انجام شده است. تمام سوره‌های قرآن در دو زبان فارسی و عربی به طور مقایسه‌ای بررسی تا نوع اختلافات و سپس نوع ادب به کار رفته در آن‌ها مشخص شود. در کل قرآن ۲۵۶ آیه حاوی اختلاف نظرها یافت شد. پس از جدول بندی، آن‌ها براساس مدل فوق تحلیل ادبی شدند. تجزیه و تحلیل جدول آیات نشان داد که از مجموع ۲۵۶ اختلاف نظر در آیات قرآن، ۲۵۵ مورد (۹۹/۶٪) شامل ادب منفی و یک مورد (۰/۳۹ درصد) شامل ادب مثبت بودند. از ده استراتژی ادب منفی، همه آن‌ها به جز «بیان عمل تهدیدآمیز وجهه به عنوان یک قاعده کلی» و «عذرخواهی» به وقوع پیوستند. بیشترین استراتژی ادب منفی «بدبینی» بود که ۹۸ بار (۳۸/۴۳٪)، «سؤال پرسیدن و مصون سازی» ۶۳ بار (۳۸/۴۳٪) و «به حداقل رساندن تحمیل تهدید وجهه» ۲۹ بار (۱۱/۳۷٪) رخ داده‌اند. تنها نشانگر ادب مثبت در اختلافات قرآن «استفاده از نشانگرهای هویت درون گروهی» با ۱ مورد بروز (۰/۳۹٪) بود. راجع به اصطلاحات یا مقوله‌های نشانگر اختلاف نظر، «سؤال پرسیدن» با ۶۳ (۲۴/۶۰٪) اختلاف نظر، «استدلال کردن» با ۳۶ (۱۴/۴٪) اختلاف نظر و «ابراز تردید» با ۲۸ (۱۰/۳۹٪) اختلاف نظر رخ دادند. این مطالعه برای زبان‌شناسان، تحلیل‌گران گفتمان و محققان ترجمه تأییدی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ادب اختلاف نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون.
۲. بررسی وجود مخالفت‌های گوناگون در قرآن کریم براساس نظریه ادب.

سؤالات پژوهش:

۱. بررسی ادب اختلاف نظرهای قرآنی براساس نظریه ادب براون و لوینسون چگونه می‌باشد؟
۲. گفتمان قرآن کریم چگونه در ساختار مساجد اسلامی منعکس شده است؟

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، نظریه ادب، قرآن، وجهه ادب منفی، وجهه ادب مثبت.

مقدمه

قرآن کریم یک نوع گفتمان در کنار گونه‌های مختلف گفتمانی رایج به حساب می‌آید (عباس، ۲۰۲۰ ق؛ محمودی و منشی، ۲۰۱۹ ق). همان‌طور که در گفتمان‌های رسمی و ادبی مطرح در جامعه، هنجارهای رفتاری و ادبی مورد توجه قرار می‌گیرند، قرآن کریم نیز، به عنوان یک گفتمان مذهبی، دارای سبک ویژه است که متضمن چارچوب‌ها، قواعد و اصول رفتاری هست (محمود، ۲۰۱۹ ق؛ حسن، ۲۰۱۶ ق). در قرآن که تعداد وسیعی شخصیت‌ها به تعامل می‌پردازند، حفظ وجهه آن‌ها ارزشمند است (برهانی‌نژاد، رستمی نسب، علوی و سیف‌الدینی، ۲۰۱۹ ق). در قرآن شخصیت‌هایی چون پیامبران، کافران، مسلمانان و خداوند به تعامل می‌پردازند در این تعامل‌ها، گاهی شخصیت‌ها به بیان خصوصیات منفی و مثبت همدیگر می‌پردازند و گاهی از همدیگر تمجید می‌کنند بیشتر اینکه، نمونه‌هایی از ترغیب، تهدید، فراق‌کنی و خصومت نیز به چشم می‌خورد (میلر، ۲۰۰۸ ق). در همه این تعاملات، از منظر زبان‌شناسی، ممکن است وجهه شخصیت‌ها تهدید یا تقویت شود. چنین مؤلفه‌هایی در نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷ ق) پیش‌بینی شده‌اند. آن‌ها چنین پیشنهاد کردند که همه افراد بالغ و توانمند به عنوان شرکت‌کننده در گفتمان‌ها دارای وجهه هستند که ممکن است منفی یا مثبت باشد (ردموند، ۲۰۱۵ ق). بر اساس آنچه آن‌ها خودشان گفته‌اند، واژه وجهه که اولین بار توسط گوفمن (۱۹۶۷ ق) خلق شده است با حالاتی چون احساس شرمندگی، تحقیر و مقبولیت مرتبط می‌باشد (همراکلووا، ۲۰۲۰ ق). براساس موقعیت‌ها و نیازها، وجهه می‌تواند نگه‌داشته شود، کاهش یابد و یا افزایش داده شود (ونگر، ۲۰۰۴ ق). طبق آنچه ردموند ادعا کرده است، برای ادامه تعامل در هر سطحی، وجهه بایستی مورد توجه طرفین گفتمان قرار گیرد. این تفکر، معادل نظریه همکاری گفتمانی گرایس (۱۹۷۵ ق) است که در آن چنین ادعا می‌شود که طرفین گفتمان بایستی باهم همکاری کنند. در آنجا چنین ادعا شد که نقض اصول همکاری باعث قطع گفتمان می‌شود و در نظریه براون گفته می‌شود که وجهه افراد تهدید می‌شود (ژائو، ۲۰۲۱ ق). طبق آنچه خود براون و لوینسون گفته‌اند، مفهوم وجهه یک مقوله جهانی است ولی دریافت و عکس‌العمل به آن در فرهنگ‌های مختلف فرق دارد (هوانگ، ۲۰۰۸ ق).

از دیدگاه مخاطب‌شناسی، در نظریه فوق، مخاطبین هستند که همه فراز و نشیب‌ها، لذات و خطاب‌های گفتمان را تجربه یا تحمل می‌کنند. بسته به جایگاه نویسنده و گوینده در گفتمان‌های نوشتاری و گفتاری، نوع تجربه مخاطب تغییر می‌کند. این نوع تجربه مخاطب که در اینجا خواننده یا شنونده است با توجه به فاصله بین طرفین نیز تغییر پیدا می‌کند (گپ تا واکا و رومانی، ۲۰۰۷ ق). آن‌ها همچنین باور دارند گاهی اوقات، بدخواهی یا خیرخواهی گوینده یا نویسنده پیام مشخص است. این نوع برداشت نیز بسته به دانش مخاطب یا پیش‌زمینه خود متغیر است. بیشتر، آن‌ها معتقدند بر طبق فاصله، جایگاه و دانش زمینه، براون و لوینسون دو نوع وجهه مثبت و منفی را توسعه داده‌اند. گپ تا و همکاران می‌گویند که تعلق گروهی، صمیمیت و دوست داشتن بر میزان تأثیر گفتمان منفی و مثبت بر مخاطب مؤثر هستند. براساس آنچه، شیخ و احمد (۲۰۲۰ ق) گفته‌اند، میزان تهدید اجزا گفتمان در گفتمان‌های نوشتاری و گفتاری متفاوت است. در گفتمان گفتاری، مخاطب و گوینده فرصت و توانایی درخواست اصلاح یا واکنش را دارند. آن‌ها می‌توانند بلافاصله به گوینده بفهمانند که کلمه یا عبارت خاص مناسب نیست و لازم است اصلاح شود. این درواقع مخالفت یکی از طرفین با نوع و محتوی گفتمان است. آن‌ها رو در روی هم قرار می‌گیرند و این نوع عملیات از خصوصیات جالب گفتار است. در گفتمان نوشتاری که نویسنده یا ارسال‌کننده پیام با مخاطب که همان شنونده یا

خواننده است دارای فاصله جغرافیایی است امکان مخالفت برای اصلاح، رد و تغییر نوع عمل تهدیدکننده یا غیرتهدیدکننده وجود ندارد (اورتمن و دیپر، ۲۰۱۹ ق).

براون (۲۰۱۵ ق) باور دارد که آنچه به عنوان ادب از گفتمان برداشت می شود، در حقیقت، عوامل زبان شناختی هستند که به طور صریح همان عوامل تشکیل دهنده متن هستند که با نشستن در کنار همدیگر و با ایجاد انسجام تشکیل یک گفتمان واحد را می دهند. در همه گفتمان ها همین عناصر متنی قابل تفسیر در کاربردشناسی (Pragmatics) هستند که وجهه ای را تهدید و یا تقویت می کنند. مثلاً واژه «تو» به جای «شما» در یک گفتگو یا پاراگراف ممکن است به وجهه خواننده یا شنونده آسیب می زند. همان طور که قبلاً ذکر شد، قرآن کریم نیز به مثابه بقیه گفتمان ها خصوصیات زبان شناختی مشابهی دارد که در آن شخصیت های متعدد با استفاده از زبان قرآنی به بیان دیدگاه ها، عقاید و رسوم خود می پردازند که آن ها در چارچوب نظریه ادب قابل بررسی است (چانگ و هاو، ۲۰۱۱ ق).

براساس آنچه الخطیب (۲۰۱۲ ق) نوشته است در قرآن کریم سوره ها و آیاتی وجود دارد که دو نوع رابطه از آن ها قابل استخراج است: رابطه انسان و خداوند و رابطه انسان و انسان یعنی رابطه بین فردی. او نشان داد که انتقال معنی ادبی در بافت مذهبی قابل انجام است. دهقان نیری، سلطانی و مقدسی نیا (۱۳۹۷ ق) نشان داده اند که یکی از ابعاد مهم گفت وگوهای قرآنی، اجرای آداب ادب و ورزی و سرباز زدن از آن است که از روابط قدرت حاکم بر شرکت کنندگان در گفت وگوهای مدنظر سرچشمه می گیرد. از مواردی که آن ها اشاره کردند موضوع گفت وگویی میان خداوند و حضرت موسی است. به علاوه، آن ها باور داشتند که قرآن مبتنی بر گفتگو است و انواع دیالوگ ها بین خدا و پیامبر، خدا و فرشتگان، خدا و حاکمان، انبیا و مردم، پیامبران و فرشتگان، حاکمان و مردم صورت گرفته است؛ این نشان دهنده این است که در هر گفتمانی که سرشار از روابط اجتماعی است، جریان ادب و ادب ورزی نیز حاکم و بارز است. در همه این گفتمان ها، هر یک از طرفین به نوعی ممکن است مخالفت خود را با پیامی ابراز کرده باشد. این قسم مخالفت ها در قرآن کریم جای تفسیر معناشناختی دارند. مخالفت را می توان به عنوان بیان دیدگاهی تعریف کرد که از آنچه توسط گوینده دیگر بیان شده است متفاوت باشد. باین حال، در ادبیات مربوطه، مخالفت ها بیشتر به عنوان یک رویارویی تلقی می شوند و بنابراین باید از این طریق کاهش یا جلوگیری شوند (سیفیانو، ۲۰۱۲ ق). او اضافه می کند که اختلاف نظر حمل بر عدم تحمل پذیری است و در مقابل اختلاف نظر فقط به معنای منفی دیده نمی شود، یعنی ممکن است لزوماً منجر به درگیری و بی تحرکی نشود، بلکه می تواند نشانه صمیمیت و جامعه پذیری باشد و ممکن است نابود نشود بلکه باعث تقویت روابط متقابل شود.

براساس آنچه انگوری و لوچر (۲۰۱۲ ق) می گویند گفت وگویی حل مسئله (Problem solving talk) با اختلاف همراه بوده است زیرا هم صحبت ها مخالف نظرات یکدیگر هستند و نظرات متنوعی را بیان می کنند. مخالفت یک مهارت مهم اجتماعی-عملی است و که افراد در صورت عدم رعایت هنجارهای موجود ممکن است باعث رنجش یا تهدید (Threat) شوند (مارا، ۲۰۱۲ ق). مقوله ادب در هر گفتمانی از آن جهت که ممکن است به رعایت یا عدم رعایت ادب ختم شود وابسته به جایگاه شرکت کنندگان یا طرفین درگیر گفتمان هست. بوسفیلد (۲۰۰۸ ق) باور داشت که عدم رعایت ادب باتوجه به جایگاه قدرتی، حقوق و نقش ها فرق می کند. در این جایگاه ها هر کدام از طرفین برای پیشبرد و تحکیم ادعا یا نظر خود راه کارهای مختلفی در پیش می گیرند. در قرآن نیز چنین وضعیتی صادق است.

همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، قرآن از جمله گفتمان‌هایی است که موضوعات مختلفی در آن جریان دارد. این موضوعات به‌طور مختصر شامل گفت‌وگوی خداوند و کفار، کفار و خداوند، پیامبر و خداوند، خداوند و کائنات، مردم و خودشان و انسان‌ها و حیوانات می‌باشند. این گفت‌وگوها به‌طور گروهی، دوبه‌دو و گاهی یک‌طرفه صورت می‌گیرند. در هر کدام از این گفت‌وگوها، نوع گفت‌وگو، جایگاه افراد، نقش اجتماعی آن‌ها، میزان نزدیکی به همدیگر و همچنین ساختار روابط آن‌ها در پیشبرد یا ناکامی گفتگو مؤثر هستند. در هر کدام از این گفتگوها طرفین سعی می‌کنند همدیگر را قانع، تهدید، تسلیم و ترغیب کنند و گاهی نیز به مخالفت (Disagreement) بپردازند. از آنجاکه مخالفت‌های قرآن ممکن است نشانگر مناقشه، تهدید، فریب، خیرخواهی، نپذیرفتن، ناتوانی و فاصله باشند، وجهه افراد از نظر ادبی می‌تواند تهدید شود و این قابلیت بررسی ادبی دارد. این جنبه از قرآن یعنی وجود مخالفت‌های گوناگون، تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و جنبه تهدید وجهه آن‌ها نیز مشخص نیست. به همین دلیل این به‌عنوان یک شکاف در ادبیات زبان‌شناختی قرآن در نظر گرفته شد و از منظر سیستم ادب براون و لوینسون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه هدف تحقیق بررسی ادب در گفتمان مخالفتی در سوره‌های قرآن کریم بوده است، بررسی آیات از سوره‌های حاوی مخالفت از منظر نظریه ادب براون و لوینسون نشان داد که مخالفت‌های زیادی در سطح‌های مختلف از جمله از طرف خداوند، پیامبران، همسران و خانواده آن‌ها و مشرکان صورت گرفته است. آنچه جالب بوده است این بود که نشان داده شود هنگامی که در گفتمان فوق طبیعی قرآن مخالفتی صورت می‌گیرد، براساس نظریه فعلی ادب، آن نوع مخالفت در چه مقوله‌ای جای می‌گیرد. به‌علاوه، اثبات مقوله خاص و منتسب به هریکی از گروه‌های بالا چه دلایلی می‌تواند داشته باشد. به‌هر حال، بررسی آیات فوق نشان داد که به‌جز در یک مورد خاص، بقیه مخالفت‌ها مربوط به ادب منفی بوده‌اند. بیشتر این که نوع ادب منفی آن دسته از مخالفت‌ها هم سؤال پرسیدن، بدبینی، احترام کردن، کاهش تحمیل و غیرمستقیم صحبت کردن بودند. درواقع، جایی که ادب منفی صورت می‌گیرد، آنچه حائز اهمیت است که برجسته شود وجود تهدید وجهه است. در همین آیات، دین ناباورانه در برابر دعوت پیامبرانی چون ابراهیم، هود، نوح، صالح، لوط و طالوت به بهانه‌های مختلفی ابراز مخالفت کردند. از آنجاکه دعوت پیامبران برنامه‌ای برای ریشه‌کن کردن افکار و رسوم کهنه آن زمان بود و سطح فرهنگی مردم آن زمان پایین بود، آن نوع دعوت مورد اقبال واقع نمی‌شد.

نکته مهم‌تر این است که آنچه بیشتر مردم آن زمان را وادار به مخالفت می‌کرد این بود که پیامبرانی که برخاسته بودند، از میان مردم عادی و فقیر تعیین شده بودند. به‌علاوه، یک‌بارگی بعثت یک شخص به‌عنوان پیامبر در یک مکان خاص قابل‌باور و تأمل نبود. مردم آن زمان و به همین ترتیب مردم کنونی به دلیل اینکه خداوند را نمی‌توانند ببینند و معجزات را نیز سحر و جادو می‌پندارند، از پذیرش آنچه ممکن است واقعیت داشته باشد سر باز می‌زنند. در دنیای کنونی سحر و جادو فراوان یافت می‌شود و وجود نشانه‌هایی به‌عنوان معجزه هم توسط بعضی از مردم مشابه سحر و جادو تلقی می‌شود. در قرآن به‌دفعات به گردش شب و روز و نشانه‌های طبیعی برای دین ناباورانه اشاره می‌شود، ولی با همین وجود هم آن‌ها، این نوع نشانه‌ها را اثرات وضعی و طبیعی می‌دانند که در جهان طبیعت خودبه‌خود صورت می‌گیرند.

در ادبیات کنونی ادب و مخالفت، به‌طور خلاصه، استدلال می‌شود که حتی اگر هیچ تحمیلی در عمل گفتاری خاص وجود نداشته باشد، اگر اختلاف قدرت یا فاصله اجتماعی زیاد باشد، در نتیجه درجه تهدید وجهه بالا خواهد بود (هاف،

۲۰۰۶ ق؛ سارنی، ۲۰۰۲ ق؛ فکودا و اساتو، ۲۰۰۴ ق). هاف (۲۰۰۶ ق) نوشته است که ادب منفی ناشی از نگرانی در مورد خودمختاری اعمال شخص است. به علاوه، تورنبارو (۲۰۰۲ ق) باور داشته است که ادب منفی و اقدام به تهدید وجهه ممکن است به دلیل عدم قدرت نهادی باشد. ادب منفی نیاز شنونده به آزادی عمل و آزادی از تحمیل در تصمیم‌گیری خود را برطرف می‌کند. این امر به عنوان جبران وجهه منفی نیز شناخته می‌شود و این را می‌توان با بدبین بودن به حداقل رساندن تحمیل، یا احترام گذاشتن نشان داد.

نتایج این تحقیق مشابه نتایج تحقیق الحمیدی، پرانتو و جاتمیکا (۲۰۱۶ ق) هستند. آن‌ها در تحقیق خود سخنان پیامبر محمد صلی‌الله علیه و آله را در کتاب حدیث بخاری هنگام گفت‌وگو با افرادی که الگوهای متفاوتی از او داشتند، بررسی می‌کند. آن‌ها یافتند که از میان صحبت‌های پیامبر با غیرمسلمانان و برعکس، بیشتر آن‌ها حاوی ادب منفی بودند. آن‌ها نشان دادند که ادب منفی برای حفظ وجهه منفی استفاده می‌شود که برای روابط اجتماعی بین گوینده و شنونده مورد استفاده قرار گرفته است. بیشتر این که نتایج این تحقیق در راستای نتایج تحقیق جیوادگیتان، قبانچی و غضنفری (۲۰۲۰ ق) هستند. آن‌ها سوره کهف و سوره یوسف را از منظر نظریه براون ولوینسون (۱۹۸۷ ق) و لیچ (۱۹۸۳ ق) بررسی کردند. هدف آن‌ها این بود که از طریق یک مطالعه کیفی مؤلفه‌ها و ماکسیم‌های ادب مثبت و منفی را نشان دهند. در نهایت آن‌ها با بررسی کل آیات سوره‌ها یافتند که ادب منفی در سوره‌ها بر ادب مثبت برتری داشته است. نتایج تحقیق کنونی با مطالعه الخطیب (۲۰۱۲ ق) همسو هستند. الخطیب به بررسی جامعه‌شناختی ادب در قرآن کریم پرداخته است. براساس نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷ ق)، او نشان داد که راه کارهای ادب مستقیم، منفی و مثبت در قرآن استفاده شدند. به علاوه، اینکه راه کار غیرمستقیم بروزی نداشته است. راه کار مستقیم بیشترین کاربرد، مثبت بعد از آن و منفی کم‌ترین بروز را داشته‌اند. او نشان داده است از آنجا که امر کردن گفتمان مؤدبانه‌ای نیست، آن در قرآن به کرات استفاده شده است. در تحقیق مهم دیگری که با تحقیق کنونی همسان است، حسن (۲۰۱۶ ق) گفت‌وگوهای بین خداوند و پیامبر را تحلیل ادب کرده است. با اتخاذ روش‌های تحلیلی و توصیفی، او نشان داده است که همه چهار راه کار ادب مستقیم، غیرمستقیم، منفی و مثبت عملکردهایی داشتند. بیشتر اینکه راه کار مستقیم در هنگام پاسخ دادن توسط پیامبران بیشترین نقش را داشته است.

آنچه بین همه تحقیقات ذکر شده مشترک است، این واقعیت را نمایان می‌کند که در قرآن شخصیت‌های مختلفی به ایفای نقش می‌پردازند. هر گروه یا شخص در قرآن به طریقی سهامدار نوعی واقعیت است و براساس الهام از آن واقعیت به بروز عقاید و دیدگاه‌های خود می‌پردازد. از میان جنبه‌های متعدد قرآن، تاکنون بلاخص در تحقیقات مشابه فوق تعدادی بررسی شدند. آنچه در تحقیق کنونی به عنوان یک خاصیت ویژه بین سهامداران قرآنی بررسی نشده بود مخالفت بود. در این تحقیق نتایج بررسی سوره‌های مختلف نشان دادند که مخالفت عمدتاً منبع ادب منفی است.

منابع و مأخذ:

- انگوری، جو و لوچر، مریم. (۲۰۱۲ ق). «نظریه پردازی اختلاف». مجله کاربردشناسی، شماره ۱۲، صص ۱۵۴۹-۱۵۵۳.
- اورتمن، کاترین و استفانی دیپر. (۲۰۱۹). «تنوع بین انواع مختلف گفتمان: باسواد در مقابل شفاهی». مجموعه مقالات کارگاه ششم NLP برای زب آن‌ها و گویش‌های مشابه. صص ۶۴-۷۹.
- باورصاد، سمیرا؛ صالحی‌پور، عباس؛ اسلامی، راسخ و سیمین، شهلا. (۲۰۱۵). «مطالعه راهبردهای اختلاف‌نظر در مورد پیشنهادات مورد استفاده زبان آموزان دختر و پسر ایرانی». نامه‌های بین‌المللی علوم اجتماعی و بشری، شماره چهل نهم، صص ۳۰-۴۲.
- براون، پنه لویه. (۲۰۱۵). ادب و زبان: دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی و رفتاری. اکسفورد: الزویر.
- براون، پنه لویه و لوینسون، استفان سی (۱۹۸۷). ادب: برخی از موارد کلی در استفاده از زبان. کمبریج: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
- برهانی‌نژاد، محدثه؛ رستمی‌نصب، عباسعلی؛ علوی، حمیدرضا و صیف‌الدینی، رستم. (۲۰۱۹). «توضیح موقعیت طبیعی زنان و مردان از نظر تعاملات آن‌ها براساس آیات آفرینش در قرآن کریم»، جامعه‌شناسی، شماره ۱۵، صص ۹-۳۱.
- بوسفیلد، درک و میریام ا. لوشر. (۲۰۰۸). بی‌ادبی در زبان: بررسی تعامل آن با قدرت در تئوری و عمل. برلین: والتر دو گرویتز.
- پرمستی، پوتو دیوی مرلیناودا. (۲۰۲۰). «اقدامات گفتاری مستقیم، تهدید وجهه برای سالمندان و ادب در صحبت‌های کارگران اندونزیایی». مجله بین‌المللی زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان، جلد یکم، شماره ۲، صص ۷۱-۵۹.
- پورهمایون، عبدالرضا؛ طباطبایی‌پور، فاطمه سادات و نصری، مسعود. (۱۳۹۲). «مسجد جلوه‌گاه هنر اسلامی». سومین همایش ملی معای داخلی و دکوراسیون.
- جخار، الطاف علی، شیخ، فهیم الدین و احمد، فاروق. (۲۰۲۰). «مقایسه بین گفتمان گفتاری و نوشتاری و دلالت آن در آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم/خارجی». جلد یازدهم، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۷۵.
- چانگ، وی لین ملودی و هاف، مایکل. (۲۰۱۱). «خجالت استراتژیک و تهدید وجهه در تعاملات تجاری». مجله کاربردشناسی، شماره ۱۲، صص ۲۹۴۸-۲۹۶۳.
- حسن، اسرار نورالدین. (۲۰۱۶). ادب در گفت‌وگوهای میان خدا و پیامبرانش در قرآن کریم. رساله دکتری دانشگاه علم و صنعت سودان.
- خطیب، محمود ع. (۲۰۱۲). «ادب در قرآن کریم: دیدگاه جامعه‌شناسی زبانی و عمل‌گرا». کاربردشناسی بین فرهنگی، شماره ۴، صص ۴۷۹-۵۰۹.
- دهقان نیری، مرضیه؛ سلطانی مسعود و مقدسی‌نیا، مهدی. (۲۰۱۷). «ادب در گفتمان قرآن: گفت‌وگوهای میان خدا و موسی در سوره اعراف. مجله مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی». شماره ۴، صص ۱-۲۳.

- ریس میلر، جانی. (۲۰۰۰). «قدرت، شدت و زمینه در اختلاف نظر». مجله کاربردشناسی، جلد سی دوم، شماره ۸، صص ۱۰۸۷-۱۱۱۱.
- ساکي، نانسی. (۱۴۰۱). «نقش و تأثیر آیات قرآن در معماری مساجد (با تأکید بر کتیبه‌های قرآنی مسجد جامع اصفهان». مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۴۶۸-۴۸۴.
- سیفیانو، ماریا. (۲۰۱۲). «اختلاف نظرها، وجهه و ادب». مجله کاربردشناسی، جلد چهل چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۵۵۴-۱۵۶۴.
- صادق قلی، حسین و نیرومند، معصومه. (۲۰۱۶). «نظریه‌های ادب با تمرکز بر نظریه براون و ادب لوینسون». مجله بین‌المللی تحقیقات آموزشی. جلد سوم، شماره ۲، صص ۳۹-۲۶.
- عبدالکریم امین، اراس. (۲۰۱۷). «بررسی اجمالی اهمیت تحلیل گفتمان در زبان». مجله بین‌المللی تحقیقات پیشرفته، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۱۳۳-۱۱۳۱.
- عاصی، محمد. (۲۰۱۱). زبان‌شناسی پیکره‌ای: پردازش گرامر با رایانه: تهران: سمت.
- فوکادا، آتسوشی و آساتو، نوریکو. ۲۰۰۴ ق. «نظریه ادب جهانی: کاربرد در استفاده از افتخارات ژاپنی». مجله کاربردشناسی، جلد سی ششم، شماره ۱۱، صص ۱۹۹۱-۲۰۰۲.
- قاسمی سیجانی، مریم و همکاران. (۱۳۹۶). «تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان». پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۵، ش ۳، ۶۵-۴۹.
- کاریتی، فرانسیس. (۲۰۲۱). «استراتژی‌های ادب». مجله علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. جلد سوم، شماره ۳، صص ۱-۱۱.
- کالپر، جاناتان. (۱۹۹۶). «به سوی آناتومی بی‌ادبی». مجله کاربردشناسی، شماره ۳، صص ۳۶۷-۳۴۹.
- کدار، دانیل و جولیان، هاوس. (۲۰۲۱). تجدید نظر در نشانگرهای ادب. مجله تحقیقات ادب. ۲۰۲۱ ش. ۷۹-۱۰۹.
- کالپر، جاناتان. (۲۰۰۸). تأملاتی در مورد بی‌ادبی، کار رابطه‌ای و قدرت. برلین: د گرویتز موتون.
- گافمن، اروینگ. (۱۹۶۷). «آیین بین‌المللی: مقالاتی در مورد رفتار رودررو. نیویورک: نیویورک: دابل دی انکور بوکز.
- گریس، هربرت پی. (۱۹۷۵). منطق و گفتگو. اعمال گفتاری. لیدن: بریل.
- گوپتا، سواتی، مرلین ا. واکا و دانیلا ام رومانی. ۲۰۰۷ ق. چقدر بی‌ادب هستید؟ ارزیابی ادب و تأثیر در تعامل. کنفرانس بین‌المللی محاسبات تأثیرگذار و تعامل هوشمند. اسپرینگر، برلین، هایدلبرگ.
- لیچ، گوفری. (۱۹۸۳). اصول کاربردشناسی. لندن: لانگمن.
- لیو، سی. (۲۰۰۴). استراتژی‌های عمل‌گرا و روابط قدرت در اختلاف نظر: فرهنگ چینی در آموزش عالی. کالیفرنیا: انتشارات جهانی.

- مولانی، لوئیز. (۲۰۰۴). «جنسیت، ادب و نقش قدرت نهادی: شوخ طبعی به عنوان یک تاکتیک برای جلب رضایت در جلسات تجاری محل کار»، جلد بیست سوم، شماره ۱-۲، صص ۳۷-۱۳.
- مومنی، کواکب؛ فتحی، مقدادی و ایمان، ربابه. (۲۰۱۸). «راهبردهای ادب و حضور زنان در قرآن کریم». کاربرد شناسی بین فرهنگی، شماره ۳، صص ۴۳۵-۴۰۹.
- مونیتل، پیترو و ویلیام ترنبول. (۱۹۹۸). «ساختار مکالمه رو در روی و وجهه در مشاجره». مجله کاربردشناسی، جلد بیست نهم، شماره ۳، صص ۲۵۶-۲۲۵.
- واگنر، لیزا. سی. (۲۰۰۴). «استراتژی‌های ادب مثبت و منفی: عذرخواهی در جامعه گفتار کوثرناواکا، مکزیک». مطالعات ارتباطات بین فرهنگی. جلد سیزدهم، صص ۲۸-۱۹.
- ویلکی، لیس. (۲۰۰۶). «ادب و وجهه: مسائل جاری». مجله اس کی وای زبانشناسی، جلد نوزدهم، شماره ۱، صص ۳۳۲-۳۳۲.
- همراکولوا، گلاندوم. (۲۰۲۰). «تئوری ادب در زبان. مجله علمی-روشن‌نگری ذهنی». جلد بیستم، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۵۱.
- هوانگ، یونگلیانگ. (۲۰۰۸). «اصل ادب در ارتباطات بین فرهنگی. مجله آموزش زبان انگلیسی»، جلد یکم، شماره ۱، صص ۹۶-۱۰۱.
- هیو، مایکل. (۲۰۱۳). «ادب، رفتار اجتماعی و دستور مشارکت. مجله کاربردشناسی». جلد پنجاه هشتم، صص ۷۲-۵۲.

- AbdalkarimAmin, A. (۲۰۱۷). An overview study of the significance of discourse analysis in language. *International Journal of Advanced Research*, ۵ (۴), ۱۱۳۱-۱۱۳۳.
- Al Momani, K. Migdadi, F., & Rabab'a, E. (۲۰۱۸). Politeness strategies and the representation of women in the Holy Qur'an. *Intercultural Pragmatics*, ۱۵(۳), ۴۰۹-۴۳۵.
- Alhamidi, W. Z., & Purnanto, D. (۲۰۱۹). The indirectness of directive speech by Prophet Muhammad in The Hadith of Bukhari. *IJLLT*, ۲(۷), ۱۹۱-۱۹۹.
- Al-Khatib, M. A. (۲۰۱۲). Politeness in the Holy Quran: A sociolinguistic and pragmatic perspective. *Intercultural Pragmatics*, ۹(۴), ۴۷۹-۵۰۹.
- Angouri, J., & Locher, M. A. (۲۰۱۲). Theorizing disagreement. *Journal of Pragmatics*, ۴۴(۱۲), ۱۵۴۹-۱۵۵۳.
- Asi, M. (۲۰۱۱). *Corpus linguistics: Processing grammar with computer*: Tehran: SAMT.
- Bousfield, D. (۲۰۰۸). Impoliteness in the struggle for power. *Impoliteness in Language. Studies on Its Interplay with Power in Theory and Practice*. Berlin: Mouton de Gruyter, ۱۲۷-۵۳.
- Brown, P. (۲۰۱۵). Politeness and language. In the *International Encyclopedia of the Social and Behavioural Sciences (IESBS)*: Elsevier.

Chang, W. L. M., & Haugh, M. (۲۰۱۱). Strategic embarrassment and face threatening in business interactions. *Journal of Pragmatics*, ۴۳(۱۲), ۲۹۴۸-۲۹۶۳.

Culpeper, J. (۱۹۹۶). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of pragmatics*, ۲۰(۳), ۳۴۹-۳۶۷.

Goffman, E. (۱۹۶۷). *International ritual. Essays on face-to-face behavior*. New York: Double Day Anchor Books.

Grice, H. P. (۱۹۷۵). *Logic and conversation*. In *Speech acts* (pp. ۴۱-۵۸). Brill.

Hamrakulova, G. (۲۰۲۰). Politeness theory in language. *Mental Enlightenment Scientific-Methodological Journal*, ۲۰(۲), ۱۵۱-۱۵۷.

Haugh, M. (۲۰۱۳). Im/politeness, social practice and the participation order. *Journal of Pragmatics*, ۵۸, ۵۲-۷۲.

Huang, Y. (۲۰۰۸). Politeness Principle in Cross-Culture Communication. *English Language Teaching*, ۱(۱), ۹۶-۱۰۱.

Jakhar, A. A., Shaikh, F., & Ahmed, F. (۲۰۲۰). Comparison between spoken and written discourse and its implication in teaching English as second/foreign language. *Agathos*, ۱۱(۱), ۱۶۳-۱۷۵.

Kádár, D. Z., & House, J. (۲۰۲۱). 'Politeness Markers' Revisited-A Contrastive Pragmatic Perspective. *Journal of Politeness Research*, ۱۷(۱), ۷۹-۱۰۹.

Kariithi, F. (۲۰۲۱). Politeness Strategies. *Journal of Humanities and Social Sciences Studies*, ۳(۳), ۰۱-۱۱.

Leech, L. (۱۹۸۳). *Principles of pragmatics*. London and New York: Longman.

Liu, S. (۲۰۰۴). *Pragmatic strategies and power relations in disagreement: Chinese culture in higher education*. Universal-Publishers.

Mishra, P. (۲۰۲۰). Effective Communication Skills: Investigating the Politeness Strategies Used by Women as Workplace Discourse. *Journal of Critical Reviews*, ۷(۱۳), ۱۱۸۳-۱۱۸۷.

Mullany, L. (۲۰۰۴). Gender, politeness and institutional power roles: Humour as a tactic to gain compliance in workplace business meetings. *Multilingua*, ۲۳(۱-۲), ۱۳-۳۷.

Muntigl, P., & Turnbull, W. (۱۹۹۸). Conversational structure and facework in arguing. *Journal of pragmatics*, ۲۹(۳), ۲۲۵-۲۵۶.

Ortmann, K., & Dipper, S. (۲۰۱۹, June). Variation between different discourse types: Literate vs. oral. In *Proceedings of the Sixth Workshop on NLP for Similar Languages, Varieties and Dialects* (pp. ۶۴-۷۹).

Pramesti, P. D. M. Y. (۲۰۲۰). Direct speech acts, Face threatening towards the elderly and politeness in the speeches of Indonesian careworkers. *International Journal of Linguistics and Discourse Analytics*, ۱(۲), ۵۹-۷۱.

Rees-Miller, J. (2000). Power, severity, and context in disagreement. *Journal of pragmatics*, 32(8), 1087-1111.

Searle, J. R. (1979). *Indirect speech acts in Speech acts*. Brill.

Sifianou, M. (2012). Disagreements, face and politeness. *Journal of pragmatics*, 44(12), 1004-1064.

Sinclair, J. (1991). *Corpus, concordance, collocation*. Oxford University Press.

Vilkki, L. (2006). Politeness, face and facework: Current issues. *SKY Journal of Linguistics*, 19(10), 322-332.

Wagner, L. C. (2009). Positive-and negative-politeness strategies: Apologizing in the speech community of Cuernavaca, Mexico. *Intercultural Communication Studies*, 18, 19-28.

Zhao, S. (2021). An Analysis of the Conversational Implicature of “Little Sheldon” from the Perspective of Violation of the Cooperative Principle. *Open Access Library Journal*, 8(01), 1.